



مسابقه نماز و مهدویت

متن مسابقه برگرفته از کتاب نماز و مهدویت

فصل اول. جایگاه مشترک نماز و مهدویت در اسلام

از جمله نقاط مشترکی که بین نماز و مهدویت وجود دارد، جایگاه مشترک این دو در اسلام است که با توجه به آنها می تواند در درک تأثیرهای متقابل این دو و بهره برداری از آنها کمک فراوانی به ما کند، برخی از عناوین مشترک نماز و مهدویت از این قرار است:

۱-۱- عبادت بودن نماز و انتظار ظهور

عبادت، به معنای اظهار ذلت، عالی ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است.

درفرهنگ اسلام، عبادت فراتر از نمونه هایی چون نماز و روزه است و همه کارهای شایسته ای که به نفع مردم نیز باشد، عبادت است. یکی از کارهایی که در اسلام، عبادت به حساب آمده، انتظار حکومت عدل جهانی است و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود «أفضل العباده انتظار الفرج» انتظار فرج و گشایش (با آمدن امام زمان علیه السلام) برترین عبادت است.

روشن است که منظور از، انتظار مثبت و سازنده ای است که زمینه سازی و تلاش برای دولت عدل مهدی «علیه السلام» را نیز به همراه داشته باشد. حال که دانستیم نماز و انتظار هردو مظهر عبادت هستند، پس ریشه های مشترکی دارند که عبارت است از:

✓ درک عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدایی می بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می کند؛ آن سان که در برابر یک دانشمند و شخصیت مهم، انسان خویشتن را کوچک و ناچیز شمرده، او را تعظیم و تکریم می کند. در منتظر امام زمان هم همین امر هست؛ زیرا او با درک عظمت خدا، عظمت ولی خدا و حکومت بی نظیر مهدوی را نیز درک می کند.

✓ احساس فقر و وابستگی

طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید، در برابرش خضوع می کند. وجود ما بسته به اراده خداست و در همه چیز، نیازمند به اویم. این احساس عجز و نیاز، انسان را به پرستش خدا وای می دارد. خدایی که در نهایت کمال و بی نیازی است. در بعضی احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود؛ هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی شد. منتظران امام عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» نیز در دین و دنیا خود را وابسته به امام زمان می دانند و به او که وابسته بین خدا و مخلوقات است متوسل می شوند. به وسیله حضرت مهدی «عج» بلا از ما دور می شود. خداوند در قرآن درباره

رسول اکرم «صلی الله علیه واله وسلم» می فرماید: وما كان الله ليعذبهم و انت فيهم.

از امام عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» روایت شده که فرمود: «وَبِیْ يَدْفَعُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي».

امام صادق «علیه السلام» نیز فرموده است: «هُوَ الْمُفْرِجُ الْكُرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكِ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ».

✓ توجه به نعمت ها

انسان، همواره در برابر برخورداری از نعمت ها، زبان ستایش و بندگی را دارد. یادآوری نعمت های بیشمار خداوند، می تواند قوی ترین انگیزه برای توجه به خدا و عبادت او باشد. در مناجات امامان معصوم، معمولاً ابتدا نعمت های خداوند، حتی قبل از تولد انسان، به یاد آورده می شود و از این راه، محبت انسان به خدا را زنده می سازد؛ آنگاه درخواست نیاز از او می کند. خداوند هم می فرماید [فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ] مردم پروردگار این کعبه را برستیدند، او را که از گرسنگی سیرشان کرد و از ترس ایمنشان نمود.

در آیه ای دیگر است، پروردگارتان را بندگی کنید، چون شما را آفرید

[يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ]

در انتظار هم توجه به نعمت بزرگ امامت و ولایت وجود دارد؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم به این موضوع می پردازد، آیه سه سوره مائده است: «يَوْمَ يَسْ

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

امروز، [روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری که حضرت علی به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم منصوب شد] کافران از [زوال] دین شما مأیوس شدند پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. امام مهدی علیه السلام ادامه همین راه ولایت و همان صراط مستقیمی است که در سوره حمد می خوانیم [صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ] و آن افراد مشمول نعمت انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان هستند. راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداوند و بندگان مخلص خداست. در روایت آمده است که امامان معصوم «علیهم السلام» می فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم».

یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقال، قهر، صلح، علاقه به فرزند و ... نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.

✓ فطرت الهی

پرستش، جزیی از وجود و کشش فطری انسان است. این روی پرستش، که در انسان فطری است، گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به «خداپرستی» می رسد، گاهی انسان در سایه جهل یا انحراف، به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پل و ماشین و همسر و ظرف و ظروف پرستش طاغوت ها

کشیده می شود. انبیا، برای ایجاد حس پرستش نیامده اند، بلکه بعثت آنان، برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است. امام علی «علیه السلام» می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ؛ خداوند محمد (صلی الله علیه وآله) را به حق فرستاد، تا بندگانش را از بت پرستی، به خدا پرستی دعوت کند».

بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می کند، نه اصل عبادت؛ زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، به جای غذا، خاک می خورد و لذت هم می برد! اگر رهبری انبیا نباشد، مسیر این غریزه منحرف می شود و به جای خدا، معبود های دروغین و پوچ پرستیده می شود. آن گونه که در نبود حضرت موسی و غیبت چهل روزه اش، مردم با إغوی سامری، به پرستش گوساله طلایی سامری روی آورده اند. در موضوع انتظار هم فطرت توحید و عدالت خواهی به عنوان دو عنصر مهم مهدویت در همه ی انسان ها وجود دارد و انتظار حکومت مهدوی نیز، انتظار تشکیل حکومتی است که هم به میل عدالت خواهی بشر به صورت کامل پاسخ دهد و هم فطرت اصیل در مسیر خود قرار گرفته و عبادات خدا به صورت خالص انجام شود؛ کما اینکه قرآن کریم چنین مژده ای را به ما داده و فرموده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و کار های شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتما آنان

را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان گونه که کسانی پیش از ایشان جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا بپرستد و چیزی را برای شریک نگیرند، و هرکس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان اند». در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کند.

۱-۲- بندگی و رستگاری ، هدف مشترک نماز و مهدویت

پس از پی بردن به عبادت بودن نماز و انتظار ظهور می‌توان در همین راستا به اهداف مشترک آن دو پی برد. در اهمیت عبادت، همین بس که هدف آفرینش هستی و جن و انس عبادت و بندگی خداوند است. خداوند می‌فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ). کارنامه همه انبیا و رسالت آن‌ها نیز، دعوت مردم به پرستش خداوند است: (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است. روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد، (فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ) و سود عبادت، به خود پرستندگان بر می‌گردد، آنچنان که درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلم ندارد.

البته باید دانست که پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی ارزش است. «بنده» باید تسلیم محض و بی قید و شرط امر «خدا» باشد و در برابر فرمان الهی و دین خدا، سلیقه‌ها و خواسته‌های شخصی را

کنار بگذارد و به نیش و نوشت و خوش آمدن و بد آمدن ، مردم بی اعتنا باشد .
این تسلیم محض و بی چون و چرا بودن ، همان «عبودیت» است که فلسفه
عبادت است .

ابلیس ، با آن همه سابقه عبادت ، چون روحیه عبودیت نداشت ، در مقابل فرمان
خدا درباره سجده بر آدم سرپیچی کرد و متروود شد . ریشه استکبار و اعراض
مردم از دعوت های انبیاء ، آن بوده که حالت تسلیم و عبودیت نداشته اند و تابع
خواسته دل بوده اند . قرآن می فرماید : (أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا
تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ ؛ آیا هرگاه پیامبری از طرف خداوند ، برای شما قانونی
می آورد که مطابق دلخواهتان نبود ، تکبر می ورزید ؟)

در جای دیگر می فرماید : (فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ
بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ؛ به خدا
سوگند ، ایمان واقعی به تو نمی آورند ، مگر آنگاه که در مشاجرات و
نزاعهایشان تو را به داوری بپذیرند و در برابر قضاوت تو ، هیچ ناراحت نشوند
و تسلیم بی چون و چرا حکم الهی باشند). پس ، عبادتی ارزشمند است که
سرچشمه از عبودیت و تسلیم و رضای انسان داشته باشد . عبادت ، بندگی خدا
کردن است ، نه بنده خود و تابع هوس و تمایلات خویش بودن . هرگاه برای
مسلمانان صدر اسلام ، حکم جهاد می آمد ، گروهی می گفتند : چرا این فرمان ،
مدتی به تاخیر نیفتاد و حالا فرا رسید ؟ (لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ) در واقعه
تغیر قبله از بیت المقدس به کعبه ، عده ای گفتند : چرا؟ قرآن پاسخ می دهد :
(لَنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ) تا ببینیم چه کسی پیرو پیامبر
است و چه کسی به عقب برمی گردد (و دهن کجی می کند).

نمونه کامل تسلیم و عبودیت را در داستان ابراهیم و اسماعیل «علیهم السّلام» می بینیم که هم پدر ، مطیع محض دستور خدا است و فرزند را به قربان گاه برده و کارد بر حلقومش می گذارد و هم اسماعیل می گوید : ای پدر ، آنچه را که فرمان است انجام بده : (يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ) . حضرت ابراهیم «علیه السلام» نمونه کامل یک بنده مطیع و تسلیم است ، چه در قربانی کردن فرزند ، چه در رها کردن حاجر و اسماعیل در بیابان های خشک مکه ، چه در آمادگی برای افتادن در آتش نمرودیان .

البته این عبادت زمینه عبودیت و خود آن نیز زمینه و عامل سعادت و رستگاری انسان است . توضیح آنکه ، هستی برای بشر آفریده شده : (خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) و بشر برای عبادت : (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) و عبادت برای رسیدن به تقواست : (اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) و تقوا برای رسیدن به رستگاری : (فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) . باین مقدمات ، معلوم می شود که قله کمالات ، فلاح و رستگاری است.

اگر دین اسلام از خلقت رابندگی و در نتیجه رسیدن به رشد و رستگاری معرفی می کند، هدف دستورات عبادی او نیز همین است. مروری بر آیات و روایات نشان می دهد که فلسفه نماز به عنوان یک عبادت بزرگ برای رسیدن به مقام عبودیت و تقرب به درگاه خداست. رسول الله «صلی الله علیه و آله» فرمود: إِنَّ الصَّلَاةَ قُرْبَانُ الْمُؤْمِنِ همانا نماز باعث تقرب مومن . از طرفی هدف از اصل اعتقادی امامت حکومت مهدوی در انتظار آن نیز که از افضل عبادت شمرده

شده است، چیزی جز بستر سازی برای عبادت و رسیدن به مقام بندگی نیست، زیرا به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم که برخی از آن ها از ابتدای کتاب بیان شد.

ممکن است کسی بگوید با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟ اما پاسخ آن است که قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر اکرم (ص) به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان بر طرف می شد.

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد روکعات نماز یا تعداد شوط های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری مطالب جزئی و مقطعی در قرآن نیامده است بلکه امامت و امامان این موارد را برای مردم بیان می کردند. خود قرآن می فرماید: **مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**؛ آنچه را پیامبر (ص) بیان می کند، بگیرید و آنچه نهی می کند، رها کنید. این دلالت که پیروی از سنت نبی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: **مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ** امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر (ص) است.

آفرینش بخاطر اولیای خداست. بخاطر گل است که علف ها آب می خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین بهم می ریزد. حق هم همین است. اگرچه درس نخواند، مدیر اصلاً در آزمایشگاه و کتاب خانه را باز نمی کند. امام رضا (علیه السلام) فرمود: **لا اله الا الله** (توحید در خداست. بعد از مدتی صبر فرمود **«وَأَنَا مِنْ شَرَوَظِهَا»**). امام رضا (علیه السلام) می فرماید من از شروط

توحید هستم ، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود یک رهبر لایق است و آن هم یک رهبر زنده. امام نمی گوید: «الامام من شروطها»، می گوید «وَأَنَا مِنْ شَرَوَظَهَا»؛ یعنی من که امام زنده ام ، شرط توحید هستم . توحید همیشگی ست ، پس در هر زمان باید یک امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان شرط توحید هستند.

درباره امام زمان «عج» می خوانیم؛ «أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»، هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می شود. اگر معتقد به امام زمان نباشیم، درواقع می گوئیم پیغمبر - نعوذ بالله - دروغ گفته است . چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و اهل بیت هیچ وقت از هم جدا نمی شوند . اکنون قرآن هست، پس اهل بیت کجایند؟! اگر بگوئیم از دنیا رفته اند؛ یعنی این دو از هم جدا شده اند؛ در حالی که پیغمبر خدا می گوید این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند؛ یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید یک نفر از اهل بیت هم باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

مطلب آخر اینکه درست که مهدویت نیز مانند همه احکام و برنامه های عبادی اسلام، حکمت و فلسفه دارد، زیرا اولاً: به دلیل صدها آیه و حدیث که مردم را به تعقل و تفکر فرا می خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام به اندیشیدن دعوت نکرده است؛

ثانیاً: یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کورکورانه و بی دلیل از نیاکان است و ثالثاً؛ خود قرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، به دلیل آن هم اشاره کرده و امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمت

ها پرداخته اند، اما لازم نیست دلیل همه مسائل را، همه مردم در همه زمانها بدانند. گاهی دلیل برخی از آنها الآن روشن نیست، ولی گذشت زمان، آن را روشن می سازد.

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: إن لصاحب هذا الامر غيبة لا بد منها، يرتاب فيها كل مبطل، فقلت: ولم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم؟ قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال: وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره، إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره، كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما أتاه الخضر عليه السلام من خرق السفينة، وقتل الغلام، وإقامة الجدار لموسى عليه السلام إلى وقت افتراقهما. يا ابن الفضل: إن هذا الامر أمر من (أمر) الله تعالى، وسر من سر الله، وغيب من غيب الله، ومتى علمنا أنه عز وجل حكيم صدقنا بأن أفعاله كلها حكمة وإن كان وجهها غير منكشف؛

صاحب الامر «عليه السلام» غیبتی دارد که باید واقع شود تا بی دینان در آن دچار شک و تردید شده (یا منکر آن میگردند) عرض کردم: برای چه فدایت شوم؟ فرمود: ما مجاز نیستیم علت آنرا برای شما بیان کنیم عرض کردم: چه حکمتی در غیبت آن حضرت میباشد؟ فرمود: حکمت آن مانند حکمت غیبت دیگر حجج خداوند متعال میباشد و حکمت آن تا بعد از ظهور آن حضرت معلوم نخواهد شد همچنانکه حکمت کارهای حضرت خضر پیامبر از سوراخ کردن کشتی و کشتن نوجوان و ساختن دیوار برای حضرت موسی «عليه السلام» تا

قبل از جدا شدنشان از یکدیگر معلوم نگشت . ای پسر فضل ، این امر (غیبت و ظهور حضرت مهدی «علیه السلام» فرمان و راز و غیبت الهی بوده واز آنجایی که میدانیم خداوند حکیم است بنابر این ایمان داریم که افعال او نیز بر اساس حکمت میباشد هر چند برای ما روشن نباشد.

۱-۳- یادآوری نماز و حکومت جهانی صالحان در تمام ادیان

نکته مشترک دیگری که بین نماز و حکومت عدل جهانی وجود دارد آن است که در کتابهای آسمانی گذشته به هر دو موضوع توجه شده است. قبل از حضرت محمد «صلی الله علیه وآله وسلم» درآیین حضرت عیسی «علیه السلام» هم نماز بوده که قرآن از زبان او نقل می کند که خداوند مرا به نماز سفارش کرده است: (.... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ؛ و مرا به نماز توصیه فرموده است) و قبل از او حضرت موسی «علیه السلام» بوده است که خداوند به او خطاب می کند: (....وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ و نماز را مخصوصا برای یاد من به یادار). قبل از حضرت موسی علیه السلام پدر زن او، حضرت شعیب «علیه السلام» بوده که نماز داشته است و قومش به او گفتند: (يَا شُعَيْبُ أَصَلَّاتُكَ تَأْمُرُكَ...؛ ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد....) و قبل از همه آنها نیز حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است که از خداوند برای خود و ذریه اش توفیق إقامة نماز را درخواست می نماید: (رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...؛ خدایا! من و فرزندانم را برپاکننده نماز قرار بده).

همچنین این جناب لقمان است که فرزندش می گوید: (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛ ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار).

درست همانند این سفارش فراگیر ادیان به نماز، بشارت به آمدن فردی که جهان را از ظلم و ستم نجات می دهد و هستی را از عدالت سرشار کند نیز در ادیان و امت های گذشته مطرح بوده و بحث منجی در ادیان یکی از مباحث مهدویت است. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

کلمه « زبور » در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است. (وکل شیء فعلوه فی الزُّبر)؛ ولی به قرینه آیه «و آتینا داوود زبوراً» به نظر می رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داود «علیه السلام» باشد که در برگرفته مجموعه مناجات ها، نیایش ها و اندرزهای آن حضرت است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه نیز همان تورات است، چنانکه در آیه ۴۸ همین سوره هم گذشت که تورات، ذکر است. (ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکراً للمتقین). بعضی گفته اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از «ذکر»، قرآن مجید است و کلمه «من بعد» نیز به معنای «علاوه بر» می آید، که در این صورت معنای آیه چنین می شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هرآینه بندگان صالح من خواهند بود». از امام صادق «علیه السلام» درباره ی زبور و ذکر سؤال شد، حضرت فرمودند: « ذکر در نزد خداوند است و زبور کتاب نازل شده بر داود است و همه کتابهای نازل شده در نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم».

در پنج مورد از زبور «مزامیر» حضرت داود که امروزه جزء کتب عهد قدیم به شمار می رود، شبیه این تعبیر آمده است که: مردان صالح، وارث زمین خواهند شد. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران حضرت مهدی «علیه السلام» هستند. در بعضی روایات می خوانیم که اهل بیت پیامبر اسلام «علیهم السلام» وارثان زمین خواهند شد و افراد بد دوباره زنده خواهند شد.

ممکن است کسی این سؤال را مطرح کند که چرا قرآن کریم نفرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي التَّوْرَةِ» یا چرا نگفته «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الْإِنْجِيلِ»؟ و فرموده است در کتاب زبور داوود «علیه السلام» نوشتیم، در حالی که حضرت موسی و عیسی «علیهما السلام» پیامبران اولوالعزم بوده و مقامشان از حضرت داوود «علیه السلام» بالاتر است؟ در پاسخ شاید بتوان گفت که چون در میان انبیاء هیچ پیغمبری مثل داوود حکومت به دستش نیامد و حتی حضرت سلیمان «علیه السلام» فرزند ایشان هم وارث حکومت حضرت داوود «علیه السلام» بود که قرآن کریم می فرماید: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»، می خواهد بفرماید که به داوود گفتیم، درست است که تو حکومت کره زمین را داری، اما فکر نکن که بالاتر از حکومت تو، حکومتی نیست، بلکه حکومت واقعی و جهانی در دوره آخرالزمان است.

۱-۴- نماز و امام مهدی (عج) عهد الهی

هرگونه تعهدی که انسان بین خود و خدا داشته باشد، عهد الهی است. قوانین عقلی، فکری و احکام الهی که نماز از مهمترین آن است، نیز مصداق عهد الهی می باشند. در اسلام وفای به عهد واجب است، حتی نسبت به کفار و انسان عهد

شکن، فاقد دین کامل معرفی شده، هرچند که اهل نماز باشد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، دین کامل ندارد». وفای به عهد، کمالی است که خداوند خود را به آن ستوده است؛ (وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؛ و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟)

درباره اینکه نماز عهدی الهی است روایت شده که خدای متعال فرمود:

اِفْتَرَضْتُ عَلَىٰ أُمَّتِكَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَعَهْدْتُ عِنْدِي عَهْدًا أَنَّهُ مَنْ حَافِظٌ عَلَيْهِنَّ لَوْ قَتِهِنَّ أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ، وَمَنْ لَمْ يَحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَلَا عَهْدَ لَهُ عِنْدِي؛

رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: خداوند متعال فرمود: [ای پیامبر] بر امت تو نمازهای پنجگانه را واجب کردم و با خود پیمان بستم که هر کس مراقب آن نمازها و وقت آنها باشد او را به بهشت داخل کنم و کسی که مراقب آنها نباشد من تعهدی نسبت به او ندارم.

عهد دو گونه است: عهد و پیمانی که مردم با یکدیگر می بندند به آن وفادارباشند. و عهد و پیمانی که خداوند برای رهبری یک جامعه، برعهده ی پیامبر یا امام قرار می دهد که این عهد مقام الهی است. (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ... آیه ۱۲۴ سوره بقره) از این آیه استفاده می شود که رهبری آسمانی، عهد خداوند است.

مفضل بن عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق «علیه السلام» پرسیدم:

« کلماتی که خداوند با آن ابراهیم راآزمود، کدام اند؟». فرمود: «هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ

عَلَىٰ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ إِلَّا تُبَّتَ عَلَىٰ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ آن همان کلماتی بود که آدم از پروردگارش دریافت کرد و خدا توبه‌اش را پذیرفت» و آن این بود که گفت: پروردگارا! به حق محمد «ص» و علی «ع» و فاطمه «س» و حسن «ع» و حسین «ع» از تو می‌خواهم که توبه‌ام را بپذیری» پس خداوند توبه‌اش را پذیرفت که بدرستی که تنها او است که بسیار توبه‌پذیر و رحیم است». عرض کردم: «یابن رسول الله! مقصود خداوند از این که می‌فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «يَعْنِي أَتَمَّهْنَ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، تِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان حسین هستند قسم داد».

این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. در زیارت آل یاسین نیز، خطاب به امام زمان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ؛ سلام بر تو ای عهد و میثاق خدا (امامت و ولایت) که خداوند آن عهد را از خلق گرفت».

۱-۵- نماز و مهدویت، عامل قبولی سایر اعمال

قبولی اعمال، مهمترین مسأله هر مسلمانی است که ذهن او را مشغول کرده است، زیرا عاقبت به خیری او به قبولی اعمالش در نزد خدای متعال گره خورده است و بر طبق آیات قرآنی تنها صحیح بودن اعمال کافی نیست. انسان باید به

مسأله قبولی عبادت توجه خاصی داشته باشد تا از تلاش معنوی خود بهره بیشتری ببرد.

حضرت علی «علیه السلام» می فرماید: «كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عَنَائَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ؛ قبول شدن عمل را بیش از خود عمل مهم بدانید». انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد و هم بر اساس مقررات ظاهری عمل کند، ولی در مصاحبه به دلایلی مانند فساد اخلاق یا سوءسابقه یا...رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی درست انجام شود، ولی به دلایلی مورد قبول خدا قرار نگیرد. مگر نه این است که گاهی کارهای درستی از سوی افراد غیرمسئول انجام می گیرد، ولی به جای تشکر از آنان انتقاد هم می شود؟! پس شرط قبولی کار، چیزی دیگر است.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه هایی از آنها از این قرار است: شرط اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی، و اجتماعی که در جای خود باید به آنها پرداخت.

در روایات ما آمده است که نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیرالمؤمنین «علیه السلام» به استنادارش می فرماید: «بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می شود». اما این تمام مطلب نیست، زیرا در سخنان امامان معصوم شروط دیگری نیز برای قبولی اعمال ما ذکر شده است که از جمله آنها، اعتقاد و انتظار حضرت قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

امام صادق «علیه السلام» فرمود:

«ألا أخبركم بما لا يقبل الله عز وجل من العباد عملا الا به؟ فقلت: بلى. فقال: شهادة ان لا اله الا الله، و ان محمدا عبده [و رسوله] و الاقرار بما امر الله، و الولاية لنا، و البراءة من اعدائنا - يعنى الائمة خاصة - و التسليم لهم، و الورع و الاجتهاد و الطمانينة، و الانتظار للقائم عليه السلام؛

آیا شما را خبر ندهم به آنچه که خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را که جز به آن عمل، از بندگان نمی پذیرد؟ گفتم: بله. فرمود: گواهی دادن به این که هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و این که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم (عج).

می بینید که اعتقاد به امامت و ولایت حضرت مهدی و انتظار ظهور و حکومت او از شرائط قبولی اعمال ما است؛ یعنی وقتی همه اعمال و عبادات را انجام دادی تازه نوبت به شرط انتظار قائم آل محمد بودن می رسد؛ یعنی باید مسلمان از مسائل شخصی (خوراک، پوشاک، مسکن و....) بیرون بیاید و به چشم انداز آینده جهان که برای اسلام است بیندیشد. اسلام در واقع می خواهد با موضوع انتظار فرج، دید ما را باز کند، ما را از بند شکم و شهوت رها کند، همت ما را بلند کرده و به سوی حکومت عدل جهانی امام زمان (عج) ببرد.

۱-۶- نماز و امام مهدی، سبب شفاعت

شفاعت، به معنای درکنار چیزی یا شخصی قرار گرفتن و جفت شدن است. مثلا شاگردی در مدرسه نمره کم می آورد و معلم حاضر می شود یکی دو نمره

اضافه به او بدهد تا او هم قبول شود. در اینجا نمره ها در کنار هم، شاگرد ضعیف را نجات می دهند. یا مثلاً نخ باریک توانی ندارد، نخ های دیگر با او تابیده و محکم شده و سبب بهره گیری می شود و یا مراجعه به پزشک و مصرف دارو، عامل بهبودی بیمار می باشد.

در مثالهای بالا جمع شدن نمره ها و نخ ها و پزشک و دارو یک نوع شفاعت و در کنار هم آمدن است. تنه درخت هم شفاعت می کند و مواد غذایی را از ریشه گرفته و به شاخه ها و میوه ها می رساند. سیم برق هم برق را به لامپ ها می رساند. و خلاصه در عالم هستی هر یک از نور و حرارت و آب و زمین، دانه را از مرحله ای به مرحله بالاتری می رساند، این بود نمونه هایی از معنای شفاعت در طبیعت.

اما معنای شفاعت در آخرت آن است که اولیای خدا، اعم از انبیاء و امامان و علما و شهدا که به قله های تکامل معنوی رسیده اند، دست ضعیفانی (که انحراف فکری ندارند، ولی لغزشهای عملی دارند) را گرفته و آنان را از قهر خدا نجات می دهند، البته شکی نیست که مقام شفاعت و اجازه آن تنها به دست خداست.

تمام کتابهای مهم اعتقادی شیعه و سنی مسأله شفاعت را طبق روایات متعدد بیان کرده اند. در قرآن بیش از بیست مرتبه از مسأله شفاعت سخن به میان آمده و مرحوم مجلسی در بحارالانوار، ۸۶ حدیث در این باره نقل فرموده است: فخر رازی در تفسیر آیه (أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) می گوید: همه مفسران گفته اند: مقام محمودی را که خداوند در این آیه به پیامبرش وعده داده، همان مقام شفاعت اوست.

بنابراین از نظر قرآن و روایات، در اصل شفاعت انبیا و اولیای خدا و امام زمان(عج) جای هیچ گونه تردید و اختلافی نیست. در روایتی از امام معصوم علیه السلام می خوانیم: در قیامت، شفاعت برای ما و شیعیان ما خواهد بود. «لنا شفاعه و لاهل مودتنا شفاعه».

البته شفاعت شامل حال همه افراد نمی شود، بلکه کسانی که دارای بینش و عقائد فکری و رهبری صحیح باشند و تنها در عمل دچار لغزشهایی شده باشند، مشمول شفاعت شافعان می شوند. قرآن می فرماید: (لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا)؛ تنها کسانی از شفاعت بهره مند می شوند که میان خود و خدایشان پیمانی داشته باشند و خدا و اولیای او و راه آنان را قلباً پذیرفته باشند.

آری، کسانی که در این دنیا از اولیای خدا و علمای ربّانی پیروی کرده باشند، در آن روز هم می توانند از آنان بهره گیرند و مشمول شفاعت آن بزرگواران باشند؛ یعنی باید بذر شفاعت را در دنیا کاشت تا در آخرت برداشت کرد.

امیرالمؤمنین «علیه السلام» می فرماید:

اِسْتَجِیْبُوا الْاَنْبِیَاءَ وَ سَلِّمُوا بِاَمْرِهِمْ وَ اَعْمَلُوا بِطَاعَتِهِمْ تَدْخُلُوا فِی شَفَاعَتِهِمْ؛ دعوت و ندای پیامبران گرامی را بپذیرید. نسبت به فرمانهای آن بزرگواران تسلیم باشید. عمل شما طبق دستور و فرمان آنان باشید تا مشمول شفاعت آنان گردید.

البته آیات و روایاتی نسبت به کوتاهی در بعضی از اعمال مهم، نظیر ترک و سبک شمردن نماز آمده است که شفاعت اولیای خدا شامل حال آنان نمی شود. قرآن در این باره یک صحنه بسیار جالبی را از گفتگوی اهل بهشت (در همان

حال که در بهشت هستند) با اهل جهنم ترسیم نموده و می فرماید: بهشتیان در بهشت از مجرمانی که در دوزخند می پرسند: « ما سلککم فی سقر»؛ چه کاری شما را به سوی جهنم کشانید؟ و جهنمیان پاسخ می دهند: (لَمِنْكَ مِنَ الْمَصْلُينَ)؛ ما پای بند نماز نبودیم و در حق خدا کوتاهی کردیم و آنگاه بعد از شمردن چند ویژگی زشت اهل جهنم می فرماید: (فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ)؛ به خاطر این اعمال، شفاعت های شفیعان شامل حال آنها نشده و فائده به حالشان ندارد. نماز، آخرین سفارش انبیاء «و هی آخر وصایا الانبیاء». و آخرین سفارش امام صادق «علیه السلام» پیش از وفات است که همه خویشاوندان و فرزندان را دور خود جمع کرد و توصیه نمود که هرکه نماز را سبک شمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد. ائمه «علیهم السلام» در قیامت از افرادی شفاعت می کنند که در این دنیا رابطه شان با ائمه «علیم السلام» خوب باشد. هرکس اتصالش به امام زمان (عج) بیش تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد شد. رسول خدا (ص) در وصف امام عصر (عج) فرمودند: «المهدی شفیعهم یوم القیامه». اما اگر کسی این جا رابطه اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

نکته آخر آنکه برخی از گناهان است که فقط رضایت و شفاعت امام زمان سبب بخشش و غفران آن است. در زیارت جامعه کبیره که یک دوره کامل امام شناسی است می خوانیم:

یا وَلِیَّ اللَّهِ إِنَّ بَیْنِی وَ بَیْنَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ ذُنُوبًا لَا یَأْتِی عَلَیْهَا إِلَّا رِضَاکُمْ؛

ای ولیّ خدا! بی گمان ، میان من و خداوند عز و جل ، گناہانی است که جز رضایت شما ، آنها را محو نمی کند .

فصل دوم. آثار مشترک نماز و مهدویت

نماز و انتظار ظهور هردو عبادت خدا هستند و عبادت، قرار دادن همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. اینگونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیرهای مهمی در زندگی انسان دارد که به گوشه ای از آنها اشاره می‌شود:

۲-۱- باقی ساختن فانی

انسان، و همه تلاشهایش از بین رفتنی است، اما آنچه برای رضای خدا انجام گیرد و متعلق به الله باشد، به صورت ذخیره در می‌آید و باقی است. قرآن می‌فرماید: (ما عندکم ینفد وما عندالله باقی)؛ آنچه نزد شماست پایان می‌پذیرد و آنچه نزد خداست، ماندگار است). و نیز می‌فرماید: (کل شیء هالک الا وجهه)؛ هرچیزی نابود می‌شود مگر آنچه وجهه و رنگ و روی الهی داشته باشد).

۲-۲- تبدیل مادیات به معنویات

اگر هدف از کارها خدا باشد و انسان بتواند نیت و انگیزه و جهت کارهایش را در مسیر خواست خدا قرار دهد و بنده او باشد، حتی کارهای مادی از قبیل خوردن، پوشیدن، مسافرت، دیدار، کار روزانه، خانه داری، تحصیل، همه و همه، معنوی می‌شود. برعکس، گاهی مقدس‌ترین کارها، اگر با هدف مادی و دنیوی انجام گیرد، از ارزش می‌افتد. اولی نهایت استفاده است، دومی نهایت زیان.

۲-۳- سازندگی فرد و جامعه

عبادت و توجه به خدا و پرستش او، چون همراه با نادیده گرفتن هوس ها و تمایلات، و تفاخر نداشتن نسبت به نژاد و لباس و زبان و زمین و شهر است و انس گرفتن با خدا و دل بستن به بی نهایت قدرت و کمال و تشکر از صاحب نعمت است، این مسائل، در ساختن فکر و زندگی فردی و اجتماعی مردم نقش دارد.

عبادت، حرکت در مسیر مستقیم الهی است: (وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ).

عبادت، بار نیست، بلکه اهرم حرکت است: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)؛ از صبر و نماز کمک بگیرید).

عبادت، هم انسان را به صورت فردی، از بردگی هوس ها و گناهان و شیطان نجات می دهد و هم یک جامعه عابد، که خدا را می پرستد، از پرستش طاغوت ها و ستمگران و ابرقدرت ها آزاد می شود.

عبادت، هم فردساز است و هم جامعه ساز، فساد جوامع، بیشتر از گرایش به عبودیت و پرستش غیرخدا سرچشمه و ریشه می گیرد.

۲-۴- جهت دهی رفتارها

از ویژگی بارز نماز، جهت دادن به رفتارها است. نمازگزار باید رو به قبله بایستد و جهت و خطّ خود را روشن کند، البته قبله و جهت او را باید خداوند تعیین کند، نه خودش و نه طاغوت ها. قبله، رمز شناسایی مسلمین از دیگران است؛ از این جهت به مسلمین «اهل قبله» می گویند، مسلمانان با هر سلیقه و تفکر و از

هر نسل و نژادی، باید جهت واحدی داشته باشند. اگر مال و مقام هر لحظه دل ما را به سویی می کشد، هنگام نماز باید دل از همه بکنیم، کسی که جسم خود را روبه خانه خدا کرد آمادگی آن را پیدا می کند که قلب و روح خود را متوجه صاحب خانه کند. قبله ما کعبه است؛ اولین خانه ای که برای مردم و عبادت بنا شد. خانه ای که همه انبیا دورش طواف کرده اند، خانه ای که ابراهیم پایه هایش را بالا برده و اسماعیل در کنارش به کارگری پرداخته است، خانه ای که برای همه مردم و برای همیشه درهایش باز است و هیچ کس در آنجا حق تعرض ندارد. برای همه مردم مقدس و از ملک هر کس آزاد است. انتظار حکومت مهدوی در زندگی انسان نیز همان کار نماز را انجام می دهد، زیرا هر شخص منتظری تمام رفتارهای خود را به سمت ظهور امام زمان(عج) جهت دهی می کند.

«والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته»